

تحقق وحدت و انسجام اسلامی در پرتو برنامه های درسی مدارس

سید ابراهیم میرشاه جعفری* و صدیقه کریمی**

* دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی و مدرس دانشگاه پیام نور

چکیده

اگرچه از آغاز ظهور، اسلام همواره مسلمانان را به وحدت و یکدلی فراخوانده و طرح ایجاد امت واحده را مطرح نموده است، اما در سالهای اخیر، ضرورت پرداختن به این ایده و تلاش برای عملی ساختن آن، برای مسلمانان، بیش از گذشته محسوس است، زیرا با آغاز انقلاب اسلامی ایران، بیداری در کشورهای اسلامی، سرعت و رنگ تازه ای به خود گرفته است. دشمنان نیز با

ترقندهای مختلفی، به مبارزه با این بیداری برخاسته و از هر سو، وحدت و انسجام مسلمانان را نشانه گرفته‌اند. در چنین شرایطی تک تک مسلمانان و تمام کشورهای اسلامی رسالت مهمی بر عهده دارند. آنها برای پرداختن ریشه‌ای و اصولی به وحدت و انسجام میان خود باید به مدارس و نقش مهم آنها توجهی ویژه داشته باشند، زیرا مدارس با برنامه‌های درسی خود می‌توانند به تقویت بنیادهای فکری وحدت و انسجام اسلامی پردازند. علاوه بر این، با راهبردها و شیوه‌هایی که در اهداف، محتوا، روشهای تدریس و ارزیابی پیشرفت تحصیلی بکار می‌گیرند مهارتها و نگرشهایی را در دانش آموزان شکل دهند که برای حفظ وحدت در جامعه ضروری هستند. از این رو، مدیران، معلمان و سایر دست اندرکاران مدارس باید در حیطه شناخت، به پرورش ایمان و برخی تواناییهای ذهنی، در حیطه عاطفی، به رشد فضایل اخلاقی و در حیطه مهارت، به کسب تواناییهای عملی مورد نیاز برای تحقق این ایده پردازند. دستیابی به این هدفها مستلزم بکارگیری راهبردهایی است که در این مقاله بررسی شده‌اند. بدیهی است آنچه در این جا مطرح شده، تنها گوشه‌ای از کارهای لازم است و بررسی عمیق تر موضوع، نیاز به پژوهش‌های گسترده‌ای دارد.

واژه‌های کلیدی: وحدت و انسجام اسلامی، برنامه درسی، مدرسه.

مقدمه

تعالیم دین مبین اسلام، فرمایشات و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین و مهمتر از همه بسیاری از آیات روشنگر و حیات بخش قرآن، بارها مسلمانان را به اتحاد دعوت نموده و آن را موجب عزت و سربلندی امت اسلامی معرفی کرده و انحطاط و سقوط این امت را در گرو عداوت و تفرقه دانسته است. امام علی (ع) در خطبه قاصعه، مسلمانان را به توجه نسبت به این واقعیت فرا خوانده و فرموده‌اند:

بنگرید آنها چگونه بودند، هنگامی که جمعیتشان متحد، خواسته‌ها متفق، قلبها و اندیشه‌ها معتدل، دستها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ و عزم‌ها و مقصودهایشان همه یکی بود، آیا آنها مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند و آیا زمامدار همه جهانیان نشدند. از آن طرف به پایان کار آنها نگاه کنید، آن هنگام که پراکندگی میان آنها واقع شد، الفتشان به تشتت گرایید، در اهداف و دلها اختلاف پیدا کرده و به گروه‌های متعددی تقسیم شدند و... خدا لباس کرامت از تن آنها بیرون کرد و وسعت نعمت را از آنان سلب نمود. تنها آنچه از آنها باقی مانده سرگذشت آنان است که در بین شما، عبرتی است برای آنان که بخواهند عبرت گیرند (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد، آن زمانی که مسلمانان این تعالیم و دستورات را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند، به سرعت پیشرفت نموده و از مواهبی مانند عزت و اقتدار، کرامت، فراهم آمدن نعمت و دفع دشمنان برخوردار شدند. اما به تدریج این انسجام تحت تأثیر برخی از عوامل، رو به سستی گذاشت. جهل هم نسبت به اسلام راستین و هم عقاید و احکام مذاهب، تاریخ اسلام و تاریخ مذاهب، مغالطه در درک مفهوم الفاظ مشترک و اختلاف در محتوای شعارها و شاعیر همراه با تعدد دولت‌های اسلامی، اختلاف در ملیت، نژاد و زبان باعث شد تا دامنه اختلاف میان مسلمانان گسترش یابد. در این میان، دسپیس دشمنان و استعمارگران مبنی بر تشدید و تکثر اختلاف و تحریک احساسات نیز تا حد زیادی مؤثر بوده است.

با وقوع انقلاب اسلامی امت اسلامی بعد از سال‌ها غفلت، بیدار شده، به نگاه جدیدی نسبت به شریعت و آیین اسلام دست یافته و آماده حرکت به سوی عزت، استقلال و پیشرفت گشته است. از جمله واقعیات ناشی از بیداری و بازگشت امت اسلام به معارف دینی و سیره و کلام پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)، درک لزوم واقیعت اتحاد و انسجام برای پیمودن این مسیر است، لذا وحدت و انسجام اسلامی به شعاری میان آحاد مردم مسلمان و به ویژه قشرهای تحصیل کرده و

جوان تبدیل شده است. در کنار بیداری مسلمانان و احیای این شعار اصیل، دشمنان اسلام نیز سازمان یافته تر، جدی تر و همه جانبه تر از قبل دست به کار شده اند تا با ایجاد تفرقه، مانع از حرکت آنها به سوی کمال و تعالی شوند. بنابراین نه تنها حال بلکه آینده امت اسلامی در گرو این مسأله است که تا چه اندازه به فکر ایجاد وحدت در بین آحاد مسلمانان بوده و تا چه حد در ایجاد یکپارچگی و انسجام و کاهش فاصله ها توفیق یابد. بدیهی است برقراری وحدت در میان افراد جامعه، چیزی نیست که تنها با یک توصیه صورت تحقق به خود بگیرد، بلکه میزان توفیق جامعه اسلامی در این امر مهم با درجه همت، آگاهی و احساس مسئولیت یکایک مسلمانان نسبت مستقیم دارد. در این راستا، نظام تعلیم و تربیت کشورهای اسلامی مسئولیت مشترکی داشته و باید در زمینه آگاه سازی و تبدیل آن به باوری که در عمل تجلی می یابد، نقش مهمی را بر دوش گیرند. چگونگی ایفای این نقش در ادامه مقاله حاضر بحث و بررسی خواهد شد. ابتدا مفهوم وحدت و وحدت از دیدگاه اسلام تبیین شده و سپس نقش برنامه های درسی مدارس و شیوه هایی که می توانند و باید در مورد اهداف، محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به کار گیرند، بحث خواهد شد.

مفهوم وحدت و انسجام و عوامل موثر در ایجاد آن

برای واژه وحدت، معانی و مفاهیم متعددی ارائه شده است. عده ای آن را اتحاد، توافق و هماهنگی معنا کرده و با توجه به این معنا، وحدت در جامعه را اشتراک افراد در آمال و مقاصدی که بر آن ها توافق شده، تعریف کرده اند. عده دیگری این کلمه را در لغت به معنای یکی بودن و یگانه شدن دانسته اند. بر اساس این معنا، وحدت به معنی یکی شدن دو یا بیش از دو چیز به کار می رود (علوی مقدم، ۱۳۶۲، به نقل از شیخ محمد بخار، ص ۴۹) و مقصود از وحدت در جامعه،

یکپارچگی، هم نوایی و هم سازی افراد آن است (علوی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳) و زمانی که به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند، به انسجام رسیده اند.

صاحب نظران علوم اجتماعی، در بحث درباره عواملی که موجبات این یکپارچگی را فراهم می کنند، به عامل همانندی در خون و نژاد، زبان مشترک، همبستگی اقتصادی یا توافق در منافع مشترک، اتحاد سیاسی و اشتراک در عقاید و باورها به ویژه عقاید و باورهای دینی اشاره نموده اند. اگرچه همه این عوامل موجب انسجام و اتحاد می شوند ولی اتحاد ناشی از چهار عامل اول، تابع اسباب یاد شده می باشد، لذا در هر زمان که علت و انگیزه آن از میان رود یا با منافع مهمتری اصطکاک پیدا کند، از بین می رود، اما اشتراک در عقاید و باورها مهمترین و پایدارترین عاملی است که موجب اتحاد افراد درون و میان کشورها بوده و هست. شواهد تاریخی حاکی است این همان وحدتی است که در اسلام مد نظر است. وحدتی که فطرت و عقل انسان، همچنین، کتاب آفرینش به آن گواهی می دهد (مدیر شانه چی، ۱۳۶۲، ص ۸۲-۸۱) و در قرآن و سایر منابع اسلامی به شکل زیر تعبیر و تفسیر شده است.

وحدت و انسجام از نظر اسلام

اسلام با طرح مدل جامعه نمونه خود یعنی امت، نظر خود را درباره عامل وحدت و انسجام در جامعه اسلامی اعلام نموده است. قرآن مجید در بسیاری از آیات خود از جمله آیه ۳۶ سوره نحل، پیروان هر یک از ادیان را امت می نامد:

و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله...

و همانا برانگیختیم در هر امتی رسولی را تا بپرستند خدا را...

بنابراین امت به عنوان جامعه ایده آل اسلامی به اجتماعی گفته می شود که در آن انسانها بر اساس دین در کنار یکدیگر زندگی می کنند. در این جامعه رفتار اجتماعی و فردی در ترازوی

دین ارزیابی می گردد و مخاصمت و دشمنی یا معاونت و دوستی با افراد دیگر بر اساس دستورها و راهنماییهای دین صورت می گیرد (برزگر، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴). قرآن کریم، درباره مسلمان نیز واژه "امت" را به کار برده و می فرماید:

و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و...

و اینچنین شما را امت میانه قرار دادیم تا گواهانی بر مردم باشید... (بقره/ ۱۴۳).

و در سوره انبیا آیه ۹۲ نیز تأکید می کند محور ارتباط آنها پرستش خداوند است:

ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون

همانا امت شما، امتی واحد است و من پروردگار شما هستم پس بندگان من باشید

بنابراین، از نظر اسلام، تمام مسلمانان در اقصی نقاط جهان با یکدیگر یک جامعه واحد را

تشکیل می دهند. در این جامعه میارهایی مانند ثروت، نسب، نژاد و غیره در تنظیم روابط

اجتماعی نقش ضوری و ظاهری داشته و تنها ملاک تنظیم روابط، رعایت دستورات دین و حدود

الهی است. چنان که امام باقر (ع) از پیامبر اکرم (ص) روایت نموده است، ایشان در روز فتح مکه

فرموده اند: «ای مردم به راستی که خداوند فقر و تکبر جاهلیت و تفاخر نسبت به پدران و مادران را

از شما منع کرده است. آگاه باشید که همه شما از آدم (ع) و (حواء) به وجود آمده اید و آدم نیز از

خاک به وجود آمده است. همانا بدانید که بهترین بندگان خدا بنده ای است که تقوا پیشه کند»

(برزگر، ۱۳۷۲، به نقل از روضه الکافی، ج ۸، ص ۳۴۲).

هنگام بحث در باره وحدت مورد نظر اسلام معمولاً دو مساله مطرح می شود. مساله اول،

نقش ملیت و رابطه آن با وحدت جوامع اسلامی است. بعضی از افراد آیه ۱۳ سوره حجرات: «یا

ایها الناس انا خلقناکم من ذکر او انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم»

را دلیل پذیرش ملیتها توسط اسلام می دانند و معتقدند، اصل برابری در اسلام منافاتی با قبول

«ملیت» به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر ندارد. بنابراین دخالت عوامل دیگری به جز دین، مانند

نسب، نژاد و جغرافیا را در ملاک وحدت و روابط میان افراد جوامع اجتناب ناپذیر می دانند. در مقابل عده دیگری پذیرش ملیت را رد می کنند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیر آیه مذکور می نویسد:

اسلام اصل انشعابات قومی را که در تشکیل جامعه نقش دارد، ملغی ساخت... هر گروهی از انسانها به میزان تلاشی که در زندگی نموده اند منطقه ای از زمین را به خود اختصاص داده و نام آن را سرزمین گذارده و با تمام قوا از آن دفاع کرده اند. این جریان اگرچه مورد نیاز طبیعی است و فطرت انسانی حکم به رفع آن می کند اما با خواست دیگر فطری مبنی بر لزوم زندگی اجتماعی و به هم پیوستگی افراد نوع انسان در یک جامعه واحد منافات دارد... به همین جهت اسلام این قبیل انشعابات را رد نموده و مبنای اجتماع را بر عقیده و ایمان قرار داده است (المیزان، ج ۴، ص ۱۲۶ - ۱۲۵).

استاد مطهری برای توضیح این مسأله در کتاب جامعه و تاریخ می نویسد، مفاد آیه مذکور به معنی پذیرش تقسیم بندی انسان ها درون ملیت ها نیست، بلکه به معنای آن است که انشعابات ایجاد شده از این جهت، بر اساس حکمت در خلقت است و آن اینکه افراد با انتساب به ملیت ها و قومیت ها یکدیگر را بازشناسی کنند. این حکمت موقوف بر این نیست که لزوماً ملیت ها و قومیتها به صورت شخصیت های مستقل از یکدیگر باقی بمانند (ص ۵۶ - ۵۵).

از این دیدگاه، تشکیل امت واحد، در میان مسلمانان به معنی از میان برداشتن، ملیت ها و یا مرزهای جغرافیایی میان کشورهای اسلامی نیست چنین کاری نه الزامی دارد و نه با نظام عرف حاکم بر جهان هماهنگ بوده و عملی است. بلکه مقصود از آن این است که تمام مسلمانان با نژادها و رنگها و زبان های متفاوت که در مناطق مختلف جهان ساکن هستند به این حقیقت دست یابند که باید از این عوامل صوری و ظاهری گذشته و از فراز آنها و در سایه آرمان و قوانین مشترک بر گرفته از دین اسلام به یکدیگر پیوندند. در این صورت به وحدت واقعی دست

خواهند یافت و امت واحده مورد نظر اسلام تشکیل خواهد شد. همان طور که امام خمینی (ره) نیز در بسیاری از پیام های خود به آن اشاره می کنند:

ما مسلمین اگر با هم باشیم بیشترین جمعیت را داریم، ذخایرمان بزرگترین ذخائر است... باید در عین حال که همه در ممالک خودمان استقلال داریم لکن همه مجتمع باشیم تحت لوای اسلام و توحید و ننگاریم که دست های ابرقدرتها در ممالک ما حکومت کند و ما زیر پرچم آنها باشیم (پیام به مناسبت مراسم حج، ۱۳۶۰).

مساله دومی که هنگام بحث درباره وحدت در جامعه اسلامی، مطرح می شود، وجود اختلاف نظر میان فرقه ها و مذاهب اسلامی است. درباره این مساله باید توجه داشت تعدد آراء و ویژگی طبیعی و فطری بشر بوده و قرآن هم بدان اشاره نموده است:

«و لو شاء ربك لجعل الناس امة واحدة و لا يزالون مختلفين» (هود/۱۱۸)

هرگاه پروردگارت خواست مردم را امت واحدی قرار دهد و نبودند مگر اختلاف کنندگانی.

با این نگاه، نه تنها وجود تنوع و تعدد نا مطلوب نیست بلکه نشانگر وجود ثروتهای فکری و فرهنگی در جامعه به شمار می رود. این گونه اختلاف فطری و طبیعی، می تواند منشاء تقارب اندیشه ها و خلق افکار و ایده های جدید باشد. البته آنچه این اختلاف ها را زیان بخش و یا به تفرقه در جامعه می کند، تعصب و رزوی و برخورد توأم با احساسات با اختلاف های عقیدتی و فکری است که قرآن صریحاً در آیه ۴۷، سوره انفال مسلمانان را از آن برحذر داشته و آنها را اینگونه به وحدت خوانده است: «اطيعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم...» در این آیه و آیه های مشابه، خواسته شده تا مسلمانان، پیرو هر مذهب و فرقه ای که باشند، برای رفع اختلاف های خود از خداوند و رسول او اطاعت و فرمانبرداری کرده و میان خود را اصلاح نمایند و به یاد داشته باشند که با یکدیگر برادرند: انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم و اتقوا الله

لعلکم ترجمون (حجرات/۱۰). بنابراین برقراری وحدت میان مسلمانان هنگامی شکل واقعی به خود می‌گیرد که پیروان مذاهب بدون هیچ گونه تعصب به بررسی میانی اولیه اسلام و شناخت کامل آنها پردازند و اختلافات جزئی موجود را براساس آنها از میان بردارند و با بصیرت و بینش نسبت به اجرای احکام دین اسلام، مبادرت ورزند (سادات، ۱۳۶۰، ص ۵۷).

با پذیرش این توصیه‌ها، وحدت میان مسلمین به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی با یکدیگر بر اساس اصول مشترک و آزاد نگه داشتن هر فرقه در فروع خاصه اوست (مصطفوی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۹). بنابراین در مجموع، مقصود از وحدت و انسجام اسلامی تشکیل جامعه‌ای است که در آن با وجود تفاوت‌ها، افراد در سه محور اساسی با یکدیگر مشترکند:

۱ - وحدت در اصول و مبانی عقیدتی: قرآن کریم در صریح‌ترین آیه خود برای

دعوت به اتحاد، مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه فراخوانده است: واعتصموا بخیل الله جميعاً و لا تفرقوا... (آل عمران/۱۰۳). مقصود از ریسمان الهی، قرآن است چنان که در روایتی از رسول اکرم (ص)، قرآن ریسمان کشیده شده میان آسمان و زمین معرفی شده است: کتاب الله هو خیل الله الممدود من السماء الى الارض (علوی مقدم، ۱۳۶۲ به نقل از سید قطب، ج ۴، ص ۵۴). در این کتاب مسایل کلی جهان بینی مطرح و مسلمانان همگی به ایمان به خدا و پرستش او، ایمان به آنچه از سوی او نازل شده، پیروی از پیامبر و ایمان به غیب دعوت شده‌اند. علاوه بر این نظام اخلاقی و عملی منسجم و هماهنگی در آن ترسیم شده که هر کس با آشنایی و عمل به آن ناخودآگاه با میلیون‌ها انسان پیرو قرآن، احساس یگانگی می‌کند (نصیری، ۱۳۸۶، ص ۶).

۲ - وحدت در الگو و سرمشق: در جامعه اسلامی، پیامبر اکرم (ص) نه تنها در فکر و

عقیده بلکه در عمل نیز سرمشق و الگو است و قرآن درباره او می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الاخر و ذکر الله کثیراً» به یقین پیامبر برای شما پیشوای

شایسته ای است، برای آنانکه به خداوند و آخرت امیدوار باشند و خدا را بسیار یاد کنند. آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، او را محل مشورت معرفی کرده است و آیه ۵۹ سوره نساء مراجعه به پیامبر را راهکاری برای وحدت و حفظ انسجام دانسته است: فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول.

۳ - وحدت قلوب و پیوند دلها: با توجه به تعالیم اسلام، روابط افراد در جامعه، بر

مبنای معیارهای ظاهری نبوده و دامنه آن به وحدت فکری محدود نمی شود. قرآن برای نخستین بار اعلام نمود بنیاد نهایی وحدت را باید در مفهوم برادری جستجو نمود: انما المؤمنون اخوة (حجرات/۱۱۰). آشکار است، برقراری پیوند برادری ایجاب می کند مؤمنان نه تنها حقوق و منافع یکدیگر را محترم بشمارند بلکه هرکس به نوبه خود دیگری را بر خود مقدم شمرده و از خدمت گزاری در حق او احساس رضایت نمایند. چنین رابطه ای در حد کمال، نه تنها عاملی مؤثر در جهت ارتقای معنوی فرد است (مادات، ۱۳۶۰، ص ۶۲) بلکه عاملی برای ایجاد همبستگی و انسجامی پایدار و همراهی استوار در نیل آرمانهای مشترک جامعه اسلامی می باشد. همان طور که حضرت علی (ع) می فرماید: «آنانکه در رابطه با خدا با هم برادرند، مودتشان پایدار است» (غررالحکم، باب الاخوان).

واضح است، تشکیل امت واحده ای با محورهای مشترک یاد شده، به خودی خود صورت نگرفته و نخواهد گرفت. دست یابی مسلمین به آن قبل از هر چیز، مستلزم آن است که نظام آموزشی با توجه به اینکه طیف گسترده ای از دوره ابتدایی تا متوسطه را در بر می گیرد و مدارس آن در اقصی نقاط کشور، پراکنده می باشد، در این خصوص وظیفه ای کلیدی و زیربنایی بر عهده گیرد. نصیری (۱۳۸۶) درباره نقش آموزش و پرورش معتقد است:

... با توجه اینکه ساخت و شالوده وجودی کودکان (و نوجوانان) در این سن ریخته می شود. بهترین زمان برای شکل گیری مسایل در ذهن آنها این دوره است. لذا آموزش و پرورش در رابطه با شعار وحدت باید تلاش جدی را انجام دهد.

چگونگی این تلاش در ادامه بررسی می شود.

نقش برنامه های درسی مدارس

هدف نهایی نظام آموزشی در هر جامعه ای تربیت انسانهایی است که به کمال انسانی رسیده اند. از آنجا که انسان کامل تربیت انسانی است که همه ابعاد وجودی آن رشد یافته است، تربیت دارای جنبه های گوناگون مانند تربیت اجتماعی، سیاسی، دینی و... است. در جوامعی مانند جامعه ما که از فرهنگی متکی بر ارزشهای دینی برخوردار بوده و دین بر تمام شئون زندگی گسترده است، بر اساس این عقیده که انسان در زندگی دنیوی بی نیاز از آموزه های دینی که از طریق وحی آمده است، نیست، تاکید می شود اصول و مبانی دین هم از لحاظ نظری و هم از نظر عملی باید وارد آموزشهای رسمی شده (رضوانی، ۱۳۸۷، ص ۳۳) و نظام آموزشی برای تربیت دینی دانش آموزان اهمیتی ویژه قایل شود. به این معنا که تمام عواملی که در فرآیند تربیت نقش دارند نسبت به آشنا نمودن کودکان و نوجوانان با آموزه های دینی در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و التزام عملی به آنها همت گمارند.

ابزار مهم آنان در این زمینه برنامه درسی مدارس است. برنامه درسی به عقیده سیلور، الکساندر و لوئیس (۱۳۷۷) نقشه ای است که در آن فرصتهای یادگیری برای رسیدن به هدفهای کلی و جزئی برای گروهی خاص از دانش آموزان فراهم شده است (ص ۳۹) و در واقع راهنمای عمل مدارس برای رسیدن به نتایجی است که دانش آموزان باید در پایان یک دوره آموزشی به آنها نایل شوند. از منظر تربیت دینی، هنگام طراحی فرصتهای یادگیری، تصمیمات و راهکارهایی که پیرامون عناصر برنامه درسی شامل اهداف، محتوا، روشهای تدریس و شیوه ارزشیابی آموخته های دانش آموزان گرفته می شوند باید موجبات آشنایی با آموزه های دینی و تعهد نسبت به بکارگیری آنها را به عنوان یک هدف کلی فراهم کنند.

از جمله این آموزه ها، دستورات و توصیه های موجود در منابع اسلامی پیرامون لزوم و چگونگی تحقق وحدت و انسجام در میان امت اسلام است که دانش آموزان باید با آنها آشنا شده و سپس این آشنایی به باوری تبدیل شود که احساس مسئولیت و پای بندی به اجرای این دستورات را در آنها تقویت کند.

متأسفانه شواهد نشان می دهد تا کنون نظام آموزشی در تربیت به طور اعم و تربیت دینی به طور خاص، با مشکلات و آسیبهایی روبرو بوده است. با وجود اهمیتی که مسئولین نظام آموزشی برای دین و تربیت دینی قایلند و در کلیه مراحل و دوره های تحصیل دانش آموزان از طریق دروس معارف اسلامی، قرآن، دین و زندگی و... با تعالیم دین مبین اسلام آشنا می شوند، اما واقعتهای آشکار و غیر قابل انکار و مشاهده رفتارهای دینی و مذهبی نوجوانان و جوانان در سطح جامعه، همچنین، نتایج تحقیقات حاکی است در جریان تربیت دینی، نظام آموزشی در ارایه آگاهی و ایجاد تعهد نسبت به آموزه های اسلام در مورد ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی از جمله وحدت و انسجام مسلمانان موفقیت چندانی نداشته است. به عبارت دیگر، تربیت دینی دچار آسیبهایی است (دانشگر، ۱۳۸۲، ص ۸۷).

دلیل عمده این آسیبها مشکلات موجود در برنامه های درسی است. یکی از این مشکلات آن است که محور تدوین و اجرای برنامه ها موضوعات درسی مجزاست، که علت عمده آن نگاه محدود و جزئی به تربیت است. با پذیرش این فرض که تربیت دارای ابعاد جسمی، اجتماعی، اخلاقی، دینی و علمی است و هر یک از موضوعات درسی می توانند به پرورش یکی از این ابعاد کمک کنند، تاکید می شود که هر یک از موضوعات درسی گنجانده شده در برنامه درسی رسالتی ویژه و مجزا از سایر دروس دارد و معلم آن درس باید در صدد تحقق این رسالت باشد. بنابراین برای پرورش دینی دانش آموزان دروس دینی و قرآن در برنامه های درسی گنجانده شده و مجزای از سایر دروس تدریس می شوند.

در حالی که با توجه به این که هدف نهایی تربیت پرورش افرادی است که به کمال رسیده و شخصیت آنان رشد همه جانبه یافته است، لازم است بر پیوستگی و درهم تنیدگی ابعاد مختلف تربیت تاکید شود. باید توجه داشت همه دروس می توانند و باید در پرورش همه ابعاد شخصیت دانش آموزان نقش داشته باشند. لذا تربیت دینی در کنار سایر ابعاد تربیت در تمام دروس باید در نظر گرفته شده و کل برنامه درسی و تمام معلمان باید در صدد یاددهی و یادگیری تعالیم دینی به دانش آموزان باشند. مشکل دیگر این است که در جریان تربیت دینی، مانند سایر جنبه های تربیت، شواهد حاکی از متمرکز بودن نظام طراحی و تولید برنامه های درسی است. در نتیجه، برنامه درسی، رسمی و تجویزی بوده و بطور جزئی، محتوا یعنی دانش، نگرش و مهارتهایی که دانش آموزان باید به آن دست یابند، بیان می کنند. در نتیجه امکان مشارکت عوامل اصلی فرآیند یاددهی - یادگیری یعنی معلم و دانش آموز را فراهم نمی کنند. لذا میان برنامه درسی تجویزی و آنچه واقعا در کلاس درس اجرا می شود تفاوت های بسیاری وجود دارد و موجب می شود اهداف برنامه درسی تحقق نیابد (احمدی؛ ۱۳۸۷، ص ۱).

با وجود این حد از تمرکز، برنامه های درسی بدون توجه به تفاوت های فردی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی تهیه شده و به اجرا در می آیند. برنامه ها محتوا محور و به کتاب درسی واحد متکی است. تسلط دانش آموزان بر محتوای کتاب درسی، مهمترین هدف یادگیری بوده و جهت دهنده تدریس و نحوه ارزشیابی آموخته های دانش آموزان است. این در حالی است که به عقیده رهنمایی (۱۳۷۹) محتوای کتابهای درس دینی خشک و بی روح است. فلسفی بودن محتوای کتابها، پایین بودن سطح تناسب آن با روحیه نوجوانان و جوانان، همچنین پایین بودن سطح تناسب آن با شرایط زمانی باعث شده تا دانش آموزان علاقه ای به یادگیری مطالب این کتابها نداشته باشند و در صورت یادگیری، مطالب و مفاهیم آن را در خود درونی نکنند (ص ۱۲) و در افزایش تجربه های مذهبی و پرورش این حس در آنها موثر نباشند (دانشگر، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸).

حسین زاده (۱۳۷۹) در پژوهشی پیرامون «کیفیت آموزش درس دینی و عوامل موثر در افزایش کیفیت آن در دبیرستانهای شهر نایین» و اکرمی (۱۳۷۳) در تحقیق خود تحت عنوان «ارایه یک الگوی نظری درباره برنامه درسی بینش اسلامی دوره متوسطه» نیز به این نتیجه رسیده اند که محتوای کتابها به اهداف آموزش درس دینی توجه مطلوبی نداشته و از لحاظ توجه به شرایط جامعه و مسایل روز وضع مطلوبی ندارند. همچنین، از نظر توجه به خصوصیات، علایق و سطح درک فراگیران در حد متوسط می باشند.

مطالب این کتابها به شکل اکتشافی و فعال ارایه نشده و دانش آموزان را درگیر فعالیت ها و تجارب یادگیری نمی کنند. همانطور که موزون (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان «نقدی بر کتابهای دینی و دین و زندگی مدارس» می نویسد در کتابهای دینی بحثی از فرهنگ اسلامی و ایرانی به میان نیامده است و به سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) توجه چندانی نشده است. محتوای کتابها بیشتر حالت تئوری دارند و در میان مطالب از امثال و حکم و داستانهای جالب استفاده نشده است (ص ۱).

در زمینه روش تدریس و شیوه ارزشیابی نیز علی رغم آنکه درس دینی و قرآن روش خاصی را می طلبد، اما متأسفانه در این دروس از همان روشهایی استفاده می شود که در سایر دروس به کار گرفته می شوند. معلمان با این تصور که هدف درس دینی، آشنایی دانش آموزان با تعریف مفاهیم و اصطلاحات و دانستن وقایع تاریخی و مذهبی است، در تدریس تنها از روش سخنرانی استفاده کرده و از سایر روشها و فناوری آموزشی استفاده نمی کنند. در ارزشیابی آموخته ها نیز بر حفظ کردن و یاد آوری آنها تأکید دارند. در حالی که هدف اساسی دیگر در این دروس به کار بستن این آموخته ها در زندگی، به عبارت دیگر، تبدیل آنها به اعتقادات و باورها در زندگی فردی و اجتماعی است. اما این هدف در تدریس و ارزشیابی نادیده گرفته می شود (موزون، ۱۳۸۷، ص ۱؛ دانشگر، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

بنابراین در مجموع، در فرآیند تربیت دینی مانند سایر جنبه های تربیت، برنامه های درسی نیازمند تحول اساسی است. لازم است مسئولین و دست اندرکاران برنامه ریزی درسی با همکاری معلمان و مدیران و سایر افراد مؤثر، آشنا نمودن دانش آموزان با آموزه های دین مبین اسلام و تبدیل آن به باورهای درونی را به عنوان هدف کلی برنامه های درسی مورد توجه قرار دهند. در این راستا با توجه به ضرورت و اهمیت وحدت و انسجام اسلامی، آموزش و یادگیری تعالیم و دستورات موجود در منابع اسلامی از جمله قرآن، سنت، نهج البلاغه و سایر کتب را به عنوان بخشی از این هدف مورد تاکید قرار دهند. سپس به منظور تحقق آن با الهام از طبقه بندی اهداف بلوم، اهداف جزئی را در سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی تعریف کنند.

با توجه به سه عنصر اساسی وحدت، در حیطه شناخت، پرورش و تقویت ایمان و کمال به کسب برخی از آگاهیها؛ در حیطه عاطفی، پرورش ویژگیهای مثبت اخلاقی مانند عفو و گذشت یا محبت نسبت به دیگران و پرورش روحیه حق محوری و در حیطه مهارت، پرورش مهارتهایی مانند کسب مهارت گفتگو و توانایی پیروی از عقل از جمله اهدافی هستند که باید دنبال شوند. تحقق هر یک از این اهداف، مستلزم بکارگیری شیوه ها و راهکارهایی در مورد محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی آموخته ها است که در ادامه مقاله به آنها پرداخته می شود.

پرورش توانایی های شناختی

هدف مورد نظر در حیطه شناخت، کسب دانش، معلومات و تواناییها و مهارت های ذهنی مانند درک و فهم آموخته ها، استفاده از آنها در موقعیت های تازه، تجزیه و تحلیل، نوآوری و قضاوت درباره امور است (سیف، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶). دست یافتن به این آگاهی ها و توانایی ها، نه تنها در عرصه زندگی فردی بلکه در عرصه زندگی اجتماعی و روابط با دیگران، نقش بسزایی دارد. بنابراین هنگامی که برنامه درسی بخواهد بستر مناسبی برای وحدت و انسجام اسلامی در

عرصه جامعه، فراهم کند، ناچار از ارایه دانش و معلومات لازم موجود در این زمینه و رشد تواناییهای ذهنی است که زمینه ساز روابط اجتماعی مطلوب و دستیابی به افکار و اندیشه های صحیح است. محورهای تلاش در حوزه شناخت گسترده و وسیع هستند. در این جا آنها در دو محور: تقویت و پرورش ایمان و کسب سایر آگاهی های لازم بررسی می شود.

پرورش و تقویت ایمان: در بین کلیه مسلمانان در تمام کشورهای اسلامی و پیروان تمام فرق و مذاهب، آنچه مورد اتفاق است منبع اصلی اسلام یعنی قرآن می باشد. این کتاب آسمانی در آیات متعددی انسانها را به ایمان به خداوند، رسول، معاد، دین و کتاب خود فراخوانده و آنها را به روی آوردن به قبله ای واحد دعوت نموده است. برای مثال در آیه ۸ سوره تغابن فرموده است: «فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا...» و در سوره بقره آیه ۱۷۷ آمده است: «لیس البر ان تولوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکه و الکتاب و النیین و...» و نیکی آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید و لیکن نیکی آن است که به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب و پیغمبران ایمان آورید...

دعوت به ایمان در قرآن نه تنها به شکل فردی بلکه به صورت جمعی نیز مطرح شده و از پیامبر اکرم (ص) خواسته تا جامعه را به سوی یگانگی بر محور ایمان به خدا فرا خواند: «قل تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم ان لا نعبدوا الا الله و لا نشرک به شیئاً بگو بیاید به سوی یک حقیقت که برای همه ما و شما یکسان است و آن اینکه خدای یگانه را پرستیم و چیزی جز او را نپرستیم (آل عمران/۶۴). ایمان به خدا و آنچه جزء اساسی دین به حساب آمده است، وحدت در هدف و آرمان به وجود آورده، مسلمانان را گرد یک محور جمع می کند و در راه پویندگی به سوی مقصدی واحد آنان را به حرکت وامی دارد. علاوه بر این چون خاستگاه چنین ایمانی دلهای آنان است بر عمیق ترین احساسها و عواطف ایشان تکیه داشته و دامنه وحدت جامعه را تا عمیق ترین و نهان ترین ابعاد وجودی آنها گسترش می دهد (سادات، ۱۳۶۰، ص ۸۰).

ایمان را باوری اعتقادی تعریف کرده‌اند که عمیقاً در وجود انسان رسوخ پیدا می‌کند (باقری، ۱۳۷۸، ص ۸۶) و طبق تعالیم قرآن کریم اولاً نوعی هماهنگی با دستگاه آفرینش است: افعیر دین الله و له اسلم من فی السموات و الارضن (آل عمران/۸۳)، دوم، جزء سرشت انسانها معرفی شده است: فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها (روم/۳۰). ویژگی بارز ایمان آزادی و اختیاری بودن است. حصول آن، ناگهانی و ناخواسته نیست، بلکه نیازمند آگاهی و خواستن است. به بیان دیگر، شرط لازم برای ایمان دانستن و بینش است اما این آگاهی باید به عقیده تبدیل شود و عزم و ازاده انسان را به حرکت درآورد (باقری، ۱۳۷۸، ص ۸۶).

بنابراین برای ایجاد بستر مناسبی برای وحدت و انسجام اسلامی، برنامه درسی باید ایمان به اصول و مبانی دین را در دانش آموزان پرورش دهد. به عبارت دیگر، به دانش آموزان هم آگاهی و بینش دهد و هم بکوشد تا این آگاهیها منجر به عقیده و عزم و اراده ای جزم شود. برای این منظور سالهاست درسهای قرآن و معارف اسلامی در میان موضوعات درسی برنامه های مدارس گنجانده شده و تدریس می شوند. تدریس آنها باید ادامه یابد و حتی زمینه لازم برای فراگیری درس قرآن از سالهای اولیه فراهم شود. علاوه بر این، باید به موارد زیر پرداخته شود:

محتوا: محتوای کتابهای این دروس با پیروی از روش قرآن لازم است دانش آموزان را به سمت تفکر درباره نظام هستی، زندگی دنیا، حقیقت وجود انسان، تاریخ بشر و آینده آن، مرگ و زندگی پس از آن سوق دهد و معلمان برای آموختن چگونه فکر کردن زمینه و شرایط مساعدی را فراهم نمایند.

تدریس: از آنجا که فکر و اندیشه با احساس آغاز می شود و از ترکیب تاثرات حسی مفاهیم و از ترکیب مفاهیم ادراکات عقلانی حاصل می شود. لازم است معلمان در تدریس از مواجهه حسی با طبیعت و محیط پیرامون دانش آموز شروع نمایند و سپس آنان را به سوی درک مفاهیم انتزاعی هدایت کنند. در این زمینه هنگام تدریس، دعوت به استدلال و حکمت باید به

توصیه قرآن مجید با حسن تدبیر و محبت همراه باشد: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنة و جادلهم بالتي هی احسن» (نحل/۱۲۵). تا بتواند به ایمان تبدیل شده و در دل تثبیت گردد. **ارزشیابی:** شیوه هایی که برای ارزشیابی آموخته های دانش آموزان به کار گرفته می شوند نیز باید به پرورش توانایی تفکر در دانش آموزان کمک کند. از جمله این روشها استفاده از آزمونهای تشریحی و سوالاتی است که جنبه کاربردی داشته و از دانش آموزان می خواهند به خلاقیت و قضاوت پردازند.

۱- کسب سایر آگاهی های لازم: علاوه بر پرورش ایمان، رشد آگاهی دانش آموزان

در چند محور اساسی باید مورد توجه قرار گیرد:

الف) آگاهی از پیوند میان فرهنگ ایرانی و اسلامی: در حال حاضر یکی از ابزار

های به کار گرفته شده برای تفرقه افکنی، ایجاد تعارض و تقابل میان فرهنگ ملی و فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان از جمله کشور ماست. لذا یکی از محورهایی که باید در محتوای دروسی مانند تاریخ و ادبیات فارسی مورد توجه قرار گیرد آشنا سازی دانش آموزان با محورها و ویژگی های مشترک دو فرهنگ ایرانی و اسلامی است (سرافرازی، ۱۳۸۶، خبرگزاری قرآنی ایران). برای این منظور، از تلفیق میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی که در بسیاری از متون ادب فارسی وجود دارد، می توان بهره گرفت. در بسیاری از کتابها چون شتوی معنوی، شاهنامه و دیگر آثار از احادیث، روایات و آیات قرآن استفاده شده است. در برخی آثار تألیف شده در سال های اخیر نیز تلفیق صحیحی از این منابع وجود دارد، برنامه ریزان درسی می توانند از این مطالب برای تهیه محتوای کتاب های درسی بهره گیرند (نصیری، ۱۳۸۶).

۱- این ضرورت توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و به صورت ماده واحده ای در جلسه ۱۵۷ این شورا به تصویب رسیده که لازم است زودتر به اجرا در آید (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶/۶/۲۰).

ب) آگاهی از علت اختلاف نظر میان مذاهب: یکی از دلایل عمده نزاع میان

فرقه های مذهبی حدسیات بی پایه درباره عقاید و افکار یکدیگر است. یکی از علل عمده آن این است که محل اختلاف نظرها و پیشینه های تاریخیشان در سطح آموزش عمومی بررسی نمی شود. بر این اساس، یکی از شروط های لازم برای توفیق در دستیابی به وحدت و انسجام این است که محتوای دروس در دوره آموزش عمومی به حد کافی تمام گروه های دانش آموزان که بر حسب قومیت، دین و زبان و مقوله های مشابه تعریف می شوند، از عواقب بالقوه گرایش های متعصبانه نسبت به این عوامل و این مسأله که چنین گرایشهایی ممکن است مایه تضییع حقوق دیگران شود، آگاه سازد و هنگام تدریس در کلاسهای درس، علل و ریشه های تاریخی تفاوت در آراء و اندیشه ها، تبیین گردد. با خاطر نشان کردن آنکه همین اتحاد و هماهنگی مسلمانان و کشور ما را به پیشرفتهای کنونی رسانده است، جامعه را از تکرار وقایع و آزمون دوباره آنها بی نیاز می سازد.

ج) آگاهی از راهکارهای اسلام برای حفظ وحدت: یکی از عوامل جدایی و

تفرقه از گذشته تا کنون عدم آگاهی از دستورات و توصیه های قرآن، پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) درباره یگانگی و وحدت میان مسلمانان است. لذا بهترین وسیله ای که می تواند جامعه پراکنده مسلمین را در یک صف قرار دهد توجه به دستورات ایشان در تمسک به وحدت است. نه تنها قرآن بلکه سنت پیامبر، عبارات نهج البلاغه، اخبار و روایات نقل شده از اهل بیت که مورد اتفاق تمام یا بیشتر مسلمین است، راههای دستیابی به این محور سعادت جامعه اسلامی را توضیح داده و تبیین می کند. رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: «مؤمنان در دوستی و رحمت و عطف به یکدیگر مانند اعضاء پیکر یک انسان هستند، هرگاه عضوی به درد آید اعضای دیگر هم متأثر می شوند». همچنین فرموده اند: «کسی که به امور مسلمین اهتمام نرزد، مسلمان نیست» (اصول کافی / ج ۲ / ص ۱۶۳).

در روایتی با همین مضمون، امام صادق (ع) می فرماید: «المسلم اخ المسلم و هو عینه و مرآته و دلیله، لا یخونه و لا یضرعه و لا یظلمه و لا یکذبه و لا یقتابه» مسلمان برادر مسلمان است که چون چشم او، آینه او و در عین حال راهنمای اوست و به او خیانت نمی کند، ستم به او روا نمی دارد، سخنش را تکذیب نمی کند و به غیبت او نمی پردازد (مدیرشانه چی، ۱۳۶۲، ص ۸۸).

استخراج این توصیه ها از درون این منبع گسترده و ژرف و بازگویی آنها می تواند در تحقق هدف مورد نظر مفید افتد. در راستای این ضرورت، برنامه ریزان درسی می توانند با مراجعه به این دریای بیکران، مجموعه ای از موارد مناسب تر را انتخاب و با گنجاندن آنها در محتوای دروس، دانش آموزان را از آنها آگاه کنند. علاوه بر گفتار، معرفی کردار بزرگان دین و الگوهای وحدت نیز، در محتوای کتابهای درسی، تأثیر بسزایی دارد.

در اخبار آمده است پیامبر گرامی اسلام (ص) برای برقراری برادری میان مسلمانان در سالهای نخست هجرت، بین مهاجرین و انصار عقد اخوت بر قرار نمود و یا در شرح خطبه ششقیقه نهج البلاغه ذکر شده است در ابتدای این خطبه امام از خلفای پیشین خود گله و شکایات می نماید و آنان را به صفاتی معرفی می کند که تاریخ و روایات هم وجود آنها را تأیید می کند. در اواسط خطبه مردی روستایی پیش آمده و نامه ای به آن حضرت داد. ایشان پس از خواندن نامه از ادامه سخن منصرف شد. ابن عباس که در آن مجلس حاضر بود گفت دنباله سخن را ادامه دهید.

امام علی (ع) جمله معروف «ششقیقه هورت ثم قرت» (نهج البلاغه / خطبه ۳) را فرموده و به سخن خو ادامه ندادند (مصطفوی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲). از نمونه این اقدامات در تاریخ اسلام بسیار اتفاق افتاده است، می توان از آنها به شکل قصه یا روایت ادبی استفاده نمود. در کلاس درس نیز معلمان با پیروی از توصیه حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه: «... در پیش گیر شیوه ای که پیشینیان تو بدان کار کرده اند. زیرا آنان همواره در کار خود نظر می کردند همان گونه که تو باید نظر کنی و به حال خود می اندیشدند، همان طور که تو باید بیاندیشی... پس اگر نفس تو از به کار

بردن شیوه آنان سرباز می زند و می خواهد خود حقایق را دریابد، پس بکوش تا هر چه طلب می کنی از روی فهم و علم باشد نه به ورطه شبهات افتادن و به بحث و جدل بیهوده پرداختن...» (باقری، ۱۳۷۹، به نقل از نهج البلاغه / نامه ۳۱، ص ۴۱۹-۴۱۷). به دانش آموزان اجازه دهند و آنها را تشویق کنند تا به طور عمیق به بررسی این میراث پرداخته و با تأمل و اندیشه با آنها مواجه گردند.

علاوه بر این، با توجه به این که تمام دستورات اجتماعی اسلام نیز در هر موردی که واجب یا مستحب اعلام شده است، هدف و نتیجه نهایی آن ایجاد برادری و اتحاد میان مسلمین است. نماز جماعت، نماز جمعه، حج، صله رحم، مراعات حق همسایه و دعا کردن به مؤمنین و... از جمله دستورالعمل هایی است که نتیجه نهایی آنها، یگانگی مسلمانان است. همچنین هر عمل و صفتی که به نحوی حرام یا مکروه شده مانند تجسس، دروغ، سخن چینی، کم فروشی و احتکار و... برای جلوگیری از پراکندگی و اختلاف میان مسلمین است. هنگام طرح این مباحث بررسی فلسفه اجتماعی آنها درون کلاس درس پردازند تا دانش آموزان به نتایج و آثار پنهان این امور پی برده و لزوم آنها را باور کنند.

۲- پرورش و تقویت ویژگی های مثبت اخلاقی

برخی از صاحب نظران تعلیم و تربیت در حوزه تربیت اجتماعی معتقدند شرط لازم برای مشارکت مردم در امور اجتماعی و برقراری انسجام در آن رشد ارزشها و فضایل اخلاقی است. از نظر ایشان، حلقه مفقوده بین علم و عمل، گرایشها و تمایلات است (حسنی، ۱۳۷۹، ص ۴۵۸). بنابراین برای ایجاد بستر وحدت و انسجام اسلامی برنامه های درسی مدارس، باید علاوه بر تربیت تواناییهای شناختی، به تربیت عواطف و گرایشهای لازم و ضروری نیز پردازند. البته رشد همه فضایل اخلاقی و درونی شدن آنها برای برقراری و حفظ وحدت در میان مسلمانان، ضروری است

اما برخی از این فضایل در حفظ وحدت منشأ اثر بیشتری بوده و بدون توجه به آنها شاید هرگز نتوان به اتحادی پایدار نایل آمد. این فضایل در ادامه بررسی می شوند:

عفو و گذشت یا محبت نسبت به دیگران: یکی از ویژگی های اخلاقی که به

تحکیم روابط اجتماعی کمک کرده و از پراکندگی و تفرقه جلوگیری می کند، عفو و بخشش نسبت به دیگران است. خداوند در آیات زیادی از قرآن، خود را به این صفت ستوده و در چندین آیه مؤمنان را به فروخوردن خشم و بخشش تشویق فرموده است. در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران فرموده است: «والکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین» کسانی که خشم خود را فرو خورند و از مردم درگذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. امام صادق(ع) از قول پیامبر (ص) می فرماید: «آیا خبر دهم شما را به بهترین صفات پسندیده دنیا و آخرت؟ و آن این است که عفو کنی کسی که به تو ستم کرده، بیبندی با کسی که از تو بریده و نیکی کنی با کسی که به تو بدی کرده و عطا کنی بر کسی که از تو دریغ داشته است» (خسروی به نقل از کلینی، ۱۳۶۵، ص ۷۰).

گذشت، نه تنها در عرصه اجتماع مانع از مخدوش شدن روابط به دلیل توقعات بی جا و سوء تفاهم ها می گردد بلکه موجب می شود در صورت مشاهده هرگونه اختلاف و ضرر و زیان از سوی دیگران، مسلمان با سعه صدری که پشتوانه آن ایمانی قوی است، با آن مواجه شود. عفو و گذشت در بالاترین مرتبه، موجب مدارا نمودن و تلطیف روابط اجتماعی شده و باعث می شود انسان، در روابط خود با دیگران، آنها را در جایگاه مهمی نشانده و حتی حاضر شود تا خود را به زحمت اندازد اما دیگران را نیازارد. انسانی که آموخته در حق دیگران گذشته داشته باشد و به حکم تکلیف دینی خود را موظف به آن بداند، قادر است تمایلات منفی خود را مهار کند تا دیگران از شر او در امان باشند و حتی تا جایی پیش می رود که به قول حضرت علی(ع)، اگر به

حق او تجاوز شود از آن از روی بزرگواری، می گذرد و مصداق فردی می شود که امام علی (ع) در خطبه همام درباره آن چنین آورده است: «خشمش را فروخورده، مردم به خیرش امیدوار و از آزارش در امان هستند. به آن کس که با او بریده می پیوندد، از سخن زشت دوری می کند و در گفتارش نرم است. نفس او از دستش در زحمت ولی مردم از او در آسایش اند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳).

رشد این صفت مستلزم بیدار شدن دوستی و محبت فطری انسانها نسبت به یکدیگر است که حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه به آن اشاره نموده و نوشته اند: «فرزندم، ملتها مجموعه های به هم پیوسته ای هستند که به وسیله محبت حفظ می گردند و از طریق آن به همدیگر نزدیک می شوند...» و زیباترین جلوه آن این است که «... خود را معیار قضاوت بین خود و دیگران قرار بده. پس آنچه برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران نیز مپسند» (نهج البلاغه/ نامه ۳۱).

بنابراین از جمله صفاتی که برای تحقق وحدت و انسجام اسلامی باید در دانش آموزان پرورش داده شود، بخشش و گذشت، محبت و دوست داشتن دیگران است. برای تحقق این هدف اقدامات زیر لازم است:

محتوا: در بعد کسب آگاهی، آشنا نمودن با این صفات و آثار و پیامدهای مثبت آنها و مصداق های عملیشان در قالب محتوای دروسنی مانند معارف اسلامی، ادبیات و تاریخ به صورت داستان، شعر و توضیحات توصیفی ضروری است.

تدریس و ارزشیابی: مهمتر از کسب دانش، برای تبدیل این دانسته ها به عمل و احساس تعهد، هنگام تدریس و ارزشیابی آموخته ها، همانطور که جعفری (۱۳۸۰) تاکید می کند لازم است معلمان بکوشند تا با دانش آموز و دانش آموزان با یکدیگر بر اساس تفاهم سازنده باشد. همچنین،

فرهنگ مشارکت، توجه به نیازهای واقعی دانش آموزان، احترام به شخصیت آنها و محبت و تفاهم را محورهای اصلی آموزش خود قرار دهند (ص ۶۲) و در کلاس درس دانش آموزان را به گذشت نسبت به سایر همکلاسان تشویق کنند.

پرورش روحیه حق محوری: در یک جامعه اسلامی، «حقیقت» هدف مشترکی است

که همه در عرصه حیات خود برای رسیدن به آن تلاش می کنند. فطرت کنجگاو انسان همواره خواهان یافتن حق و پیروی از آن می باشد. در عرصه شناخت، او خواستار یافتن و پذیرش عقاید و نظراتی است که هم با فطرت پاک و خداجوی او مطابقت داشته باشد و هم با ملاک منطق و میزان عقل همخوان باشند. در عرصه عمل، نیز او خواستار احقاق حق خود می باشد. از نظر اسلام حق در میان همه مردم ساری است. انسانها به دلیل آنکه مخلوق خدا هستند و نیازمند مواهبی که او برایشان آفریده، حق دارند از آنها استفاده کنند و هیچکس نمی تواند مانع استفاده دیگران از آنها شود. البته حق با تکلیف ملازم است و هر کس باید تکلیف خود یعنی حقی که دیگران بر عهده او دارند را ادا کند تا بتواند از حق خدادادی خود استفاده کند (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۶۵).

شرط لازم برای انجام این تکالیف، آگاهی کافی و عقل رشد یافته است. گاهی به علت عدم آگاهی، افراد در یافتن حق دچار خطا می شوند به همین دلیل قرآن مسلمانان را از پیروی چیزهایی که نسبت به آنها علمی ندارند باز داشته است: «لاتقف ما لیس لک به علم» (اسراء/ ۳۶) و برای علم و دانایی و کسب آگاهی مقامی پرارج قایل است. گاهی نیز به دلیل غفلت، خود محوری جای حق محوری را می گیرد و هر کس به جای حق، احساسات و عواطف و منافع خود را محور قرار می دهد. بدین ترتیب، هر کس بر تصورات خود لباس حقیقت پوشانده و بر آن اصرار می ورزد و زمینه اختلاف و پراکندگی در جامعه فراهم می شود. بنابراین تحقق وحدت در جامعه نیازمند آن است که امکان غلبه افراد بر خود محوری در شکلهای مختلف فراهم شود:

- خود محوری در شناخت هستی و تدابیر الهی: به این معنا که فرد وضع و حال خود را معیار و معرف تدابیر الهی بداند.

- خود محوری شناختی: به این معنا که فرد اطلاعات خود را محور قرار داده و امور را تنها از این دریچه بنگرد.

- خود محوری عاطفی: به این معنا که فرد منافع خود را ملاکی برای قضاوت درباره مطلوب بودن یا نبودن امور، به حساب آورد.

- خود محوری ارتباطی: به این معنا که فرد همواره خود را نقطه عطف روابط قرار می دهد (باقری، ۱۳۷۹، ص ۴۲۰-۴۱۵).

بر اساس این توضیحات، برای پرورش روحیه حق محوری مدارس نیازمند فعالیت در دو جهت می باشند. اول، باید دانش آموزان را با آثار و پیامدهای پیروی از نفس و خطرات ناشی از آن آشنا کنند و اصولی ترین راه رهایی از قید نفس و تأثیر آن در جمیع شئون حیات فردی و اجتماعی را به آنان نشان دهند. بنابر این لازم است برای موارد زیر اقدام کنند:

محتوا: در محتوای دروس اخلاق، معارف و سایر دروس، براساس آیه ان اکرمکم عند الله اتقیکم، تقوا را به عنوان جزء جدایی ناپذیر اسلام معرفی نمایند و به معرفی احادیثی مانند «الاسلام عریان و لباسه التقوی» اسلام عریان است و لباس آن تقوا است (پیامبر اکرم(ص) و طرح این موضوع که قرآن خیز و صلاح مؤمنین را در ملبس شدن به این لباس معرفی فرموده و می فرماید: «و لباس التقوی ذلک خیر» (اعراف/۲۶) پردازند. هنگام تدریس، در بحثهای کلاسی لازم است این مفهوم به خوبی شکافته شده و تصریح شود همان طور که در تعالیم اسلام هم گفته شده، تقوی و تزکیه مستلزم دوری از جامعه و خودداری از مشارکت فعال در جامعه نیست، بلکه آن در بطن فعالیت‌های اجتماعی تحقق می یابد.

تدریس: از جمله روشهای تدریس مناسب برای تقویت این صفت، تشویق دانش آموزان به پژوهش پیرامون این موضوع در منابع اسلامی و بررسی دیدگاههای مختلف در این زمینه است. دوم، دانش آموزان را از حقوق و وظایف و قوانین، به طور مستقیم و غیر مستقیم آگاه کند. در این مورد نیز لازم است به شکل زیر اقدام کند:

محتوا: در محتوای دروس به طور جدی معرفی حقوق و قوانین و مقررات را مورد توجه قرار دهد و در دروسی مانند فارسی و تعلیمات اجتماعی چنین محتوایی را گنجانده و به کودکان و نوجوانان کمک کند تا رفتارهای درست را بشناسند، دلیل آنها را درک کرده و برای انجام آنها ارزش قایل شوند (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۴۵۵).

تدریس: روش بحث گروهی و سایر روشهای فعال تدریس بهترین فرصت را برای تجربه عملی رعایت حقوق دیگران برای دانش آموزان فراهم می کند. ضمن استفاده از این روشها معلم می تواند آنها را به رعایت انصاف در قضاوت، رعایت زمان و دقت در گفته ها تشویق نماید.

ارزشیابی: رعایت عدالت و دقت معلمان در ارزشیابی عملکرد دانش آموزان در آزمونهای شفاهی و کتبی باعث خواهد شد تا آنها با نمونه و مصداق عینی صفات یاد شده مواجه شده و عمل کردن به آنها را خواهند آموخت.

۳- پرورش مهارت‌ها یا توانایی‌های عملی

علاوه بر تواناییهای شناختی و ویژگیهای اخلاقی، تحقق وحدت و انسجام در جامعه مستلزم داشتن برخی از مهارتهاست. از میان این تواناییها، مهارت در گفتگو و توانایی پیروی از عقل در عرصه عمل نقش بسزایی دارند. لذا پرورش این مهارتها باید در برنامه های درسی به شکل زیر مورد توجه قرار گیرد:

آشنا نمودن با آداب گفتگو: یکی از موانع اتحاد در جوامع اسلامی، کج فهمی، توهمات غلط، سوء تفاهم و بی اطلاعی از مبانی صحیح تفکرات یکدیگر است. عوامل مذکور، دلیل بسیاری از مجادلات بوده و باعث شده تا هر گروه برای غلبه بر گروه دیگر به جای منطق و استدلال به طعنه و تهمت زدن روی آورده و در نتیجه میان آنان شکاف به وجود آید. این در حالی است که قرآن کریم حتی جدال با غیر مسلمان را هم نهی نموده است، مگر آنکه به نحو احسن و شایسته انجام شود و موجب عصبیت نگردد (عنکبوت/۴۶). همچنین دشنام و ناسزا گفتن به مخالف را منع کرده است: «ولا تسبو الذین یدعون من دون الله فیسوالله عدواً بغیر علم» (انعام/۱۰۸) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید که موجب می شود آنان به کینه توزی، خدا را ناخواسته ناسزا گویند. به دلیل عداوت و تفرقه ناشی از مجادله، انمه معصومین نیز این کار را نهی نموده اند. از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمودند: «ایاکم و المرء و الخصومه فانهما یرضان القلوب علی الاخوان و ینبت علیها النفاق» (اصول کافی / ج ۲ / ص ۳۰۰). میاداد به مجادله و مخاصمه پردازید زیرا جدال و مخاصمه موجب بیماری قلب برادران ایمانی می گردد و در دلها تخم نفاق و جدایی می رویاند.

بنابراین یکی از ضرورت های ایجاد وحدت و انسجام اسلامی باز کردن باب گفتگو میان افراد جامعه و پیروان مذاهب و فرقه های گوناگون اسلامی است. هنگامی این گفتگو ها مثمر تر خواهد بود که افراد با آداب گفتمان آشنا بوده و در به کارگیری آنها مهارت کافی داشته باشند. گفتگو خواه به صورت مواجهه دو نفره و خواه گروهی، موجب تبیین اندیشه ها، رشد دیدگاه ها و فهم عمیق تر موضوع است. شرط آن، نگاه واقع بینانه به دیگران، دیدن افراد همان گونه که هستند و پذیرش آنها و دیدگاه و سخنان است. شرط دیگر آن، سعه صدر به معنی داشتن قدرت تحمل عقاید مخالف و حتی گاهی پذیرش آن است. (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

بنابراین افراد باید ظرفیت شنیدن عقاید متفاوت و مخالف را داشته و در خود تقویت کنند. همان طور که در دعای حضرت موسی (ع) آمده است: «پروردگارا سینه ام گشاده دار و کارم را بر من آسان ساز» (طه/۲۰) - (حسنی، ۱۳۷۹، ص ۴۵۴). آفت بزرگ سعه صدر خودبزرگ بینی است که راه نقدپذیری را بر انسان می بندد و همان طور که حضرت علی (ع) به مالک اشتر توصیه می کند باید از آن دوری کند: «پس درشتی و سخنان ناهموار آنها را بر خود هموار کن و تنگ خوبی و خودبزرگ بینی را از خود دور ساز» (نهج البلاغه / نامه ۵۳).

با توجه به آنچه گفته شد، در برنامه های درسی اقدامات زیر لازم است:

محتوا: با توجه به آن که دستیابی به سعه صدر مستلزم آشنایی با عقاید و افکار گوناگون است، محتوای دروس گوناگون مانند تاریخ، علوم اجتماعی و تعلیمات دینی باید دانش آموزان را عمیقاً با اندیشه های گوناگون درگیر کنند. همچنین، امکان دسترسی آنها به وسایل ارتباطی - اطلاعاتی فراهم شود تا از این طریق با مسایل و رویدادهای محیط زندگی خود و جامعه بزرگتر اسلامی و حتی جامعه جهانی آشنا و حساس شده و تلاش کنند تا با عقاید و دیدگاههای دیگران در کنار دیدگاه خود، آشنا شده و به نقد آنها بپردازند و در صورت درستی، شجاعانه بپذیرند و در صورت اشتباه بودن ضمن احترام به نظر دیگران، ایرادها و انتقادات احتمالی را گوشزد نموده و آنها را به طرف مقابل منعکس نمایند (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

تدریس: معلمان روشهای فعال تدریس به ویژه روش بحث گروهی را در کلاس درس به عنوان روشی اساسی به کار گیرند (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۶۷) و دانش آموزان را درباره موضوعات مختلف درسی و مسایل اجتماعی به گفتگو وادار کنند.

ارزشیابی: در ارزشیابی نیز واداشتن دانش آموزان به نقد و قضاوت در قالب سوالات

آزمونها می تواند به تجهیز دانش آموزان به روحیه نقد و نقدپذیری کمک می کند.

• **پزورش توانایی پیروی از عقل:** عقل از نظر آیات و روایات از اهمیت بالایی برخوردار است تا آنجا که حضرت علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه درباره فلسفه بعثت انبیاء می فرماید: «پیامبران آمدند تا بتوانند زوایای پنهان عقل ها را آشکار سازند». امور گوناگون به دست عقل تدبیر می شود. و رابطه آن با دل، احساس و رفتارهای ظاهری به این شکل است: «خردها رهبران اندیشه ها و اندیشه ها رهبران دلها و دلها رهبران حس ها و حس ها رهبران اندامهایند» (ملکی، ۱۳۷۹، به نقل از نهج البلاغه، ص ۴۹۱).

بنابراین اگر وجود انسان را چند لایه تصور کنیم لایه درونی آن عقل است که اگر خوب تربیت شود، قلب، احساس و عمل به خوبی تدبیر خواهد شد. برخوردار از این نعمت انسان را قادر به شناخت نسبت به کارهای خود و درک مصالح و مفاسد واقعیت های دنیای پیرامون می سازد: «کفاک من عقلک ما اوضح لک سبل غیک من رشدک» (نهج البلاغه/ قصارالحکم/ ۲۱۳). به علاوه، عقل زیر بنای اصلاح امور جمعی است، زیرا باعث توجه و تأمل در مسایل اجتماعی و هوشیاری نسبت به دشمنان می شود، همچنین امکان قضاوت صحیح درباره اشخاص و اشیاء و پرهیز از عجله کردن در داوری پیرامون موضوعی که هنوز به خوبی شناخته نشده را فراهم می کند.

نتیجه دیگر آن، تدبیر در تاریخ و احوال پیشینیان است که قرآن کریم، در چندین آیه انسانها را به آن فراخوانده است: «قطعاً پیش از شما سنت هایی وجود داشته است. پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است» (آل عمران/ ۳۷). عقل موجب می شود انسان بتواند نسبت به تنوع و تفاوتی که در احوال امت های قبلی وجود داشته و عواملی که موجب تفرقه، پراکندگی و در نتیجه آسیب آنها شده است، بیندیشد (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۴۸۶). عقل با چنین ماهیت و مقامی می تواند در انسجام زندگی اجتماعی نقش مؤثری ایفا کند.

برای ایفای نقش های یاد شده، عقل باید با علم همراه شده و در مسیر معینی هدایت گردد. برای این منظور، قرآن و ائمه معصومین از ابزارهای گوناگونی استفاده کرده اند. یکی از آنها تدبیر در تاریخ، هستی، انسان و... است تا قلب او نسبت به ارزشهای واقعی و سزاوار پیروی آگاه شده و عقل را به تحقیق درباره ارزش های حقیقی وادارد. برای همراه شدن قوای عقلانی با علم، مهمترین روش، رویکرد عقل جمعی یا مشورت است (نهج البلاغه/ حکمت ۱۶۱). این کار لازم است زیرا اندیشه ها متفاوتند و لازم است به طور مرتب نقد و بررسی شوند، تا مشارکت افراد در جامعه کمتر تابع احساسات و هیجانات باشد. بنابر این، برای دستیابی به جامعه ای منسجم، چاره ای جز پرورش و تجهیز عقل وجود ندارد و در برنامه های درسی باید به موارد زیر پرداخته شود:

محتوا: با توجه به رابطه عقل با تمام موضوعات درسی، محتوای دروس مختلف باید موجبات پرورش مهارتهای عقلانی شامل ادراک حسی؛ تشکیل مفهوم؛ فهم نظریات مختلف؛ مقایسه و پیش بینی و ارزیابی امور؛ تحلیل؛ نوآوری و شیوه اساسی برخورد با امور مختلف را فراهم کنند (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ص ۸۹). همچنین، محتوای دروسی مانند ادبیات فارسی، دینی، تاریخ، فلسفه، قرآن و روانشناسی باید متناسب با فطرت و نیازهای انسان تدوین شده و در آنها با توضیح نسبت انسان با دنیا، نعمتهای الهی، سرگذشت انسان ها و ملل مختلف، فلسفه زندگی، انسان های اسوه و موضوعات مشابه زمینه مناسب برای رشد عقلانی به وجود آید (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۴۹۳). **تدریس و ارزشیابی:** هنگام تدریس نیز لازم است در کلاسهای درس معلمان ماهیت عقل در تفکر اسلامی و تفاوت آن با سایر دیدگاه ها را برای دانش آموزان تبیین کنند و از روشهای تدریس و ارزشیابی استفاده کنند که توانایی تفکر را در دانش آموزان پرورش دهند. روشهای بحث گروهی و پرسش و پاسخ و آزمونهای تشریحی از جمله این شیوه ها هستند. این

آگاهی و توانایی باعث می شود، دانش آموزان بتوانند به درستی عقل و منطق را در زندگی به کار گیرند.

نتیجه گیری

قرآن کریم از مسلمانان خواسته است واحدی را تشکیل دهند که در آن، انسانها تنها خدا را می پرستند و تقوا را پیشه ساخته اند: ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون (انبیاء/۹۲). ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون (مؤمنون/۵۲). پیامبر اکرم (ص) نیز از آغاز هجرت به مدینه به تشکیل امت واحد پرداخت و در این راه کوشش فراوانی را انجام داد. این تفکر در دوران زندگی ائمه معصومین (ع) تعقیب شده و در طول تاریخ بشر ایجاد اتحاد میان امت اسلامی و حفظ آن همواره مورد نظر مسلمانان آگاه و متعهد بوده است. امروزه، نیز بر هیچ مسلمان با خرد و آگاهی پوشیده نیست که حرکت در جهت تحقق بخشیدن به وحدت و انسجام اسلامی در سراسر کشورهای مسلمان یکی از ضروری ترین وظیفه ها و مهمترین اقدام هاست. همه کشورهای اسلامی باید در اقدامی همگانی فراتر از مرزهای جغرافیایی، ملیت و نژاد و مذهب، از نظر موقعیت فرهنگی، موضع گیری سیاسی و روابط اقتصادی و قدرت دفاعی و... به شکل امتی واحد حضور جهانی پیدا کنند.

روشن است چنین اندیشه ای عملی و قابل تحقق است اما نیاز به تلاش پی گیر و همه جانبه از سوی تک تک مسلمانان و مسئولین کشورهای اسلامی دارد. در این عرصه نظام های آموزشی کشورهای مسلمان نقش مهم و ویژه ای در تحقق این ایده دارند. مدارس که طیف گسترده ای از ابتدایی تا متوسطه را در بر می گیرند، در برنامه های درسی خود باید هدف کلی آشنا نمودن دانش آموزان با دستورات و توصیه های دین مبین اسلام پیرامون لزوم و چگونگی تحقق وحدت و

انسجام در میان مسلمانان و تبدیل آن به باوری که احساس مسئولیت و پای بندی به اجرای این دستورات را تقویت کند، وجهه همت خود قرار دهند. شواهد موجود و نتایج تحقیقات نشان می دهد تا کنون این نظامها در زمینه ارایه این آگاهی و تبدیل آن به باوری درونی موفقیت چندانی نداشته و نیازمند تحولی اساسی در برنامه های درسی خود می باشند. لازم است برای تحقق این هدف کلی، برنامه های درسی اهداف جزئی را در سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی تعریف کرده و درصدد تحقق آنها باشند. در حیطه شناخت، پرورش و تقویت ایمان و کمک به کسب برخی از آگاهیها؛ در حیطه عاطفی، پرورش ویژگیهای مثبت اخلاقی مانند عفو و گذشت یا محبت نسبت به دیگران و پرورش روحیه حق محوری و در حیطه مهارت، پرورش مهارتهایی مانند کسب مهارت گفتگو و توانایی پیروی از عقل از جمله این اهداف هستند.

شرط دست یابی به این اهداف آن است که محتوای کتابهای درسی، روشهای تدریس و شیوه های ارزشیابی زمینه و بستر لازم برای تقویت عناصر وحدت و انسجام اسلامی که عبارت از وحدت در مبانی و اصول عقیدتی، وحدت در الگو و سرمشق و وحدت در قلوب است را فراهم کنند. بنابر این لازم است در مورد آنها راهبردهای ارایه شده در جدول زیر بکار گرفته شوند.

واضح است آموزش و پرورش برای انجام این وظیفه خود به همکاری سایر سازمانها و نهادهای جامعه نیازمند است. آموزش و پرورش باید در چارچوب برنامه های درسی، وظایف خود را انجام دهد و صدا و سیما، رسانه ها و خانواده ها بستر مناسبی برای رشد آنها فراهم کنند تا به عمل تبدیل شوند (فضلی خانی، ۱۳۸۶). این همکاری نیازمند عزم جدی و اولویت گذاری همه نهادها و دستگاه های مرتبط با آموزش و پرورش و هماهنگی آنها با یکدیگر است. به این ترتیب انتظار می رود کودکان، نوجوانان و جوانان مسلمانی پرورش یابند که از لزوم وحدت و انسجام جامعه اسلامی آگاه بوده و نسبت به تحقق آن احساس مسئولیت می کنند.

بعد حیطه	هدف	محتوا	روش تدریس	شیوه ارزشیابی
شناختی	- پرورش و تقویت ایمان - کمک به کسب برخی از آگاهیها	- آیات و روایات و سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) که انسان را به تفکر و ایمان دعوت می کنند. - بخشی از منابع که نشان دهنده مشترکات فرهنگ ایرانی و اسلامی هستند. - مطالبی که در مورد علت اختلاف میان مذاهب بحث می کنند.	- شروع با مواجهه حسی با محیط و هدایت به سوی ادراکات عقلانی به منظور تقویت توانایی تفکر - بکارگیری روش بحث و پرسش و پاسخ برای بررسی علل اختلاف نظر ها و فلسفه اجتماعی دستورالعملهای اسلام	- استفاده از آزمونهای تشریحی و سوالات باز پاسخ برای پرورش تفکر و خلاقیت
عاطفی	پرورش ویژگیهای اخلاقی مانند عفو و گذشت و حق محور بودن	- مطالبی پیرامون اهمیت فضایی مانند عفو گذشت و حق محور بودن و معرفی مصداقهای عملی - اطلاعاتی درباره حقوق و وظایف فردی و اجتماعی و قوانین و مقررات جامعه - اطلاعاتی درباره شیوه های غلبه بر نفس	- بکارگیری روشهای فعال تدریس مانند بحث گروهی به منظور ایجاد فرهنگ مشارکت، احترام به شخصیت دانش آموزان و برقراری رابطه دوستانه با آنها - بکارگیری روشهای مناسب برای دعوت دانش آموزان به گذشت و رعایت حقوق همکلاسان - درخواست از دانش آموزان برای پژوهش درباره فضایل اخلاقی	- رعایت اصل مشارکت، احترام به شخصیت دانش آموزان در آزمونها - رعایت حقوق دانش آموزان در اجرا ی آزمونها و داد بازخورد آنها

مهارتی	پرورش مهارت در گفتگو	مطالبی درباره آداب گفتگو و شیوه تفکر	- استفاده از روشهای فعال تدریس مانند بحث گروهی برای ایجاد انگیزه برای اظهار عقیده خود و شنیدن عقاید دیگران	- استفاده از آزمونهای تشریحی و سوالات باز پاسخ برای پرورش توانایی قضاوت و نقد
مهارتی	پرورش توانایی پیروی از عقل	- اطلاعاتی درباره مسایل جامعه خود، جامعه اسلامی و جامعه جهانی و عقاید گوناگون درباره آنها		

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مجتبی، ۱۳۷۹.
- ۳- غرورالحکم و درالکلم. گردآوری و ترجمه ناصرالدین انصاری قمی، تهران: مفید، ۱۳۸۵.
- ۴- اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد اسلامی، کتاب وحدت (مجموعه مقالات)، تهران: چاپ خانه وزارت خانه ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- ۵- اکرمی، کاظم. ارایه یک الگوی نظری درباره برنامه درسی بینش اسلامی دوره متوسطه، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت معلم، چاپ نشده، ۱۳۷۳.
- ۶- احمدی، آمنه. آسیب شناسی تمرکزگرایی در برنامه درسی، برگرفته از: www.Plaintext.org/themes/sandbox/۱۳۸۷.
- ۷- باقری، خ. تگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- ۸- باقری، خسرو. اصول تربیت اجتماعی در اندیشه امام علی (ع)، مندرج در کتاب تربیت اسلامی، تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی: ص ۴۲۰-۳۸۵، ۱۳۷۹.
- ۹- برزگر کلیشمی، ولی جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، تهران: مرکز چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

- ۱۰- حسینی، محمد. درآمدی بر مبانی اصول و روش های تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، مندرج در کتاب تربیت اسلامی، تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی: ص ۴۴۱-۴۶۰، ۱۳۷۹.
- ۱۱- حسین زاده، مریم. بررسی کیفیت آموزش درس دینی و عوامل موثر در افزایش کیفیت آن- در دبیرستانهای شهر نائین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، چاپ نشده، ۱۳۷۹.
- ۱۲- دانشگر، سعید. بررسی زمینه های آموزشگاهی آسیب پذیری تربیت دینی دانش آموزان از دیدگاه دبیران دینی و قرآن و مرئبان پرورشی مقطع متوسطه شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، چاپ نشده، ۱۳۸۱.
- ۱۳- رهنمایی، احسان. میزگرد تعلیم و تربیت دینی،-تهران: معرفت، شماره مسلسل ۳۲: ص ۱۰-۱۵، ۱۳۷۹.
- ۱۴- رضوانی، آمنه. آرایه راهکارها و الگوهای اسلامی شدن برنامه درسی، مندرج در مجموعه مقالات همایش ملی علمی برنامه درسی ملی: چشم اندازها و راهبردها: ص ۳۲-۳۴، ۱۳۷۸.
- ۱۵- سیف، علی. اکبر. روانشناسی پرورشی، تهران: آگاه، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.
- ۱۶- سادات، محمد. علی. مبانی وحدت در امت اسلامی، تبریز: هدی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- ۱۷- سادات، محمد. علی. اخلاق اسلامی، تهران: سمت، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۴.
- ۱۸- سرافراز یزدی. علی. انتقال صحیح تاریخ ایرانی و اسلامی به دانش آموزان، سایت خبرگزاری قرآنی ایران (ایکتا): ۱۲۶۰۳۸، info@iqna.ir، ۱۳۸۶.
- ۱۹- سیلور، جی؛ الکساندر، و؛ لویس، (آ. جی). (۱۳۷۷). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دهم.
- ۲۰- شریعتمداری، علی. رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۲۱- طباطبایی، محمد، حسین. تفسیر المیزان، ج ۴، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: مهر، ۱۳۶۰.
- ۲۲- علوی مقدم، محمد. وحدت در قرآن، مندرج در کتاب وحدت، تهران: چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

- ۲۳- علوی. محمد. زمینه های وحدت در قرآن، مندرج در کتاب وحدت، تهران: چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- ۲۴- غروی. محمد. (۱۳۸۶/۳/۲۲)، رسانه ها و آموزش و پرورش، سایت خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا):
۱۲۳۵۲۴، ظ info@iqna.ir
- ۲۵- فضلی خانی. منوچهر. (۱۳۸۶/۳/۷)، مفاهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی در نظام فوق برنامه آموزش و پرورش، سایت خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا): ۱۲۸۲۴۱، info@iqna.ir
- ۲۶- کلینی، یعقوب. گزیده ای از اصول کافی، ترجمه علی اصغر خسروی، تهران: خرمی، ۱۳۶۵.
- ۲۷- کلینی، یعقوب. اصول کافی، ج ۲، تصحیح و تعلیق علی اکبر شرف الدین تهرانیو تهران: پیام آزادی، ۱۳۵۹.
- ۲۸- مجموعه نویسندگان. تربیت اسلامی (مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره امام علی (ع). تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۹- مصطفوی. جواد. وحدت در نهج البلاغه، مندرج در کتاب وحدت، تهران: چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- ۳۰- مدیرشانه چی. کاظم. بررسی وحدت از سنت، مندرج در کتاب وحدت، تهران: چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- ۳۱- مطهری، م. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، قم: صدرا، ۱۳۶۲.
- ۳۲- مطهری. مرتضی. م. جامعه و تاریخ، قم: صدرا، ۱۳۶۲.
- ۳۳- ملکی. حسن. تربیت عقلانی در نهج البلاغه و دلالتهای آموزش آن، مندرج در کتاب تربیت اسلامی، تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی: ص ۵۰۳-۴۸۱، ۱۳۷۹.
- ۳۴- ملکی. حسن. برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: پیام اندیشه، ۱۳۷۹.
- ۳۵- موزون، علی. نقدی بر کتابهای دینی و دین و زندگی مدارس، سایت آفتاب: www.aftab.ir

- ۳۶- میر شاه جعفری. ابراهیم. گفتگو و ملزومات آن، مندرج در فصلنامه انقلاب اسلامی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ش ۷ و ۸، ۱۳۸۰.
- ۳۷- نجفی علمی. محمد جواد. برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۳۸- نصیری. علی. عوامل وحدت آفرین از دیدگاه قرآن، مندرج در روزنامه کیهان: ۳۱ خرداد، ص ۶، ۱۳۸۶.
- ۳۹- نباتی. رضا. دین و مدرسه، وحدت اندیشه و انسجام معارف در آموزش و پرورش، مندرج در روزنامه کیهان: اول اردیبهشت، ص ۵، ۱۳۸۶.
- ۴۰- نصیری. علی (۱۳۸۶/۱/۲۵). بررسی نقش نظام آموزشی در تحقق وحدت ملی، سایت خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا): info@iqna.ir. ۱۱۳۹۷۲.
- ۴۱- واعظ زاده خراسانی. مرتضی. عناصر وحدت اسلامی و موانع آن، مندرج در کتاب وحدت، تهران: چاپ خانه وزارت خانه ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی